

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی /تطبیقات فقهی

۹- سود های حاصله از تأمین و توزیع شرکت های تعاونی بعد از کسر هزینه ها و بدهی ها و کسورات قانونی (حداقل ۵٪ بابت ذخیره قانونی و حداکثر ۵٪ بابت ذخیره احتیاطی و پاداش (1)، سالانه بین اعضاء شرکت تعاونی تقسیم می گردد. [2] قانون گذار این پیش بینی را نیز داشته است که شرکت صرفا سود حاصله از معاملات شرکت با اعضاء را انقسام نماید و سود های بدست آمده از معاملات شرکت با غیر آنان را (بر اساس قید در اساسنامه) به حساب ذخیره قانونی که غیر قابل تقسیم است، منتقل نماید. همچنین شرکت می تواند بهره مندی اعضاء از سود را به تناسب میزان معاملات آنان با شرکت (مازاد برگشتی) [3] و مقدار تبادل مالی فی ما بین تقسیم نماید — [4] در صورتی که شخصیت حقوقی مستقل در فقه پذیرفته شود [5]، با توجه به اینکه اعیان و دارایی های مشاع به ملکیت شرکت تعاونی درآمده است، علی القاعده سود های حاصله نیز ملك او خواهد بود و او بر اساس توافقی که بین خود و اعضاء صورت گرفته است، حصه ی معینی از آن را سالانه تمليك اعضاء می نماید؛ اما بنابر عدم قبول شخصیت حقوقی مستقل در فقه، سود های حاصله به تبع دارایی ملك اعضاء خواهد بود ولی آنان باید به صورت شرط ضمن عقد حصه ای از آن سود را جهت ذخائر قانونی و احتیاطی و پاداش، غیر قابل تصرف تعیین نمایند. این شرط ضمن عقد اگر به صورت شرط نتیجه باشد که لازمه اش عدم مالکیت اعضاء نسبت به ذخیره ی احتیاطی است که این مخالف صریح قانون می باشد [6]، همچنان که اگر به صورت شرط فعل باشد، لازمه اش صرفا حکم الزامی و تکلیفی است و در نتیجه تصرف اعضاء در این کسورات قانونی باید شرعی و لازم باشد. [7] اگر گفته شود که اعضاء با شرط نتیجه، هیأت مدیره یا مدیر عامل را وکیل در مدیریت و تقسیم سود شرکت می کنند؛ باید گفت که اگرچه متعلق وکالت می تواند امر معدوم باشد [8] اما وکالت يك عقد جائز و قابل فسخ بوده و وکالت بلاعزل نیز صحیح نمی باشد در حالی که اعضاء شرکت حق هیچ نوع دخالتی در مدیریت سود نخواهند داشت [9].

لازم به ذکر است که تصویر پرداخت سود زائد (مازاد برگشتی) نیز با پذیرش شخصیت حقوقی در فقه واضح است [10] اما بنابر عدم پذیرش آن، باید گفت که اگرچه در شرکت های فقهی، سود به تناسب مقدار سرمایه تقسیم می شود اما اشتراط سود بیشتر بردن هریک از شرکاء جائز می باشد، خواه سود بیشتر بازاء عملی باشد و خواه نباشد. [11] بنابراین در شرکت های تعاونی نیز با توجه به اینکه حصه ی بیشتری از سود (مازاد برگشتی) بازاء کثرت مبادلات مالی آنان با

شرکت تخصیص داده می شود، این چنین شرطی در ضمن عقد اگر به صورت شرط فعل باشد، صحیح و اگر به صورت شرط نتیجه باشد با محذور تملیک معدوم روبرو خواهد بود.

---

[1] بر اساس اصلاحیه ی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، کسر درصدی از سود سالانه بابت حق تعلیم و آموزش، حذف شده است.

[2] ماده ۲۵ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: سود خالص شرکت ها و اتحادیه های تعاونی در هر سال مالی به ترتیب زیر تقسیم می شود: ۱- از حداقل پنج درصد (۵٪) به بالا با تصویب مجمع عمومی عادی به عنوان ذخیره تعاونی به حساب ذخیره قانونی منظور می شود: تبصره ۱- ذخیره قانونی تا زمانی که مبلغ کل ذخیره حاصل از درآمدهای مذکور به میزان یک چهارم معدل سرمایه سه سال اخیر شرکت نرسیده باشد الزامی است. تبصره ۲- تعاونی ها می توانند تا حداکثر یک دوم ذخیره قانونی را جهت افزایش سرمایه خود بکار ببرند. ۲- حداکثر پنج درصد از سود خالص به عنوان اندوخته احتیاطی به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی عادی به حساب مربوط منظور می گردد و نحوه مصرف آن با تصویب مجمع عمومی عادی است. ۴- درصدی از سود جهت پاداش به اعضاء، کارکنان، مدیران و بازرسان به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی عادی تخصیص داده می شود. ۵- پس از کسر وجوه فوق باقیمانده سود خالص به ترتیبی که در اساسنامه و شرایط ضمن عقد پذیرفته می شود تقسیم می گردد.

[3] ماده ۱ قانون شرکت های تعاونی: ۵- مازاد برگشتی: مبلغی از درآمد ویژه شرکت یا اتحادیه تعاونی است که برای تقسیم بین اعضاء به تناسب میزان معاملات آن ها با شرکت یا اتحادیه تعاونی در حدود مقررات این قانون اختصاص داده می شود.

[4] ماده ۱۴ قانون شرکت های تعاونی: درآمد ویژه شرکت در صورتی که موافق اساسنامه قابل تقسیم باشد به ترتیب پس از وضع ذخیره ها و سود سهام مطابق مقررات این قانون به صورت مازاد برگشتی به تناسب میزان معاملات هر عضو با شرکت قابل تقسیم است. مازاد برگشتی حاصل از معاملات با غیر اعضاء در صورتی که موافق اساسنامه این نوع معاملات آزاد باشد قابل تقسیم به اعضاء نیست و به حساب ذخیره قانونی غیرقابل تقسیم شرکت منتقل می شود.

[5] بنابر نظر مختار، شخصیت حقوقی شرکت ها همانند شخصیت حقیقی قابل تملك هستند اما نفس شخصیت حقوقی شرکت نیز مملوك اعضاء یا سهامداران می باشد و این ملکیت به صورت مالکیت معنوی (نه مالکیت مادی) خواهد بود.

[6] اگر برای برون رفت از این محذور، شرط نتیجه را خصوص عدم امکان تصرف بدانیم که اولاً إسقاط سلطنت با تحفظ بر ملکیت ممکن نیست و ثانیاً مصداق حبس شیء معدوم (سود غیر موجود) خواهد بود که همانند تملك معدوم مستحیل است.

[7] به نظر می رسد از آنجا که ذخائر شرکت در حساب های غیر قابل دسترس است، خصوص الزام تکلیفی اعضاء محذوری را به وجود نخواهد آورد.

[8] منهاج الصالحین، السیستانی، السید علی، ج ۲، ص ۳۴۲.

[9] ممکن است ادعا شود که اگر وکالت به صورت شرط نتیجه در ضمن عقد لازم واقع شود غیر قابل عزل می گردد. به کلام مرحوم محقق همدانی در این زمینه اشاره می کنیم: و کیف کان، فلو شرط الوكالة سواء شرط العقد أو كونه وكيالاً، فالظاهر: أنه لا ينعزل بالعزل؛ إذ الظاهر من حال المتعاقدين: أن ليس مقصودهم مجرد إيجاد وصف الوكالة في الخارج حتى لا ينافيه عزله بعد الإيجاد، بل غرضهم تحقق الوصف في الخارج مستمراً إلى زمان البيع، فالعزل ينافي المقصود الذي بنوا عليه الأمر. و بمثل ما ذكر لعلّه نلتزم بعدم جواز الأخذ بخيار المجلس أو الحيوان مثال فيما لو شرط في ضمن عقد بيع حيوان مثال، فيجب عليه البيع، ولا يجوز له الفسخ في المجلس؛ لكونه منافياً لما هو مقصودهم. مصباح الفقيه جلد ۱۴ صفحه ۶۲۶.

[10] از آنجا که بنابر این نظریه شخصیت حقوقی شرکت، مالك دارایی و سود های حاصله است، تملك سود بیشتر او به اعضاء (بنابر توافق فی مابین) تحت اختیار اوست و محذور شرعی نخواهد داشت.

[11] منهاج الصالحین، السیستانی، السید علی، ج ۲، ص ۱۶۶.